اخبار

اعلام آمار فروش فیلم‌های سینمای ایران در هفته‌ای که گذشت

سینمای ایران این روزها با تعداد زیادی آثار در حال اکران مواجه است که از چهارشنبه هفته گذشته فیلم‌های «پی ۲۲» و «حکایت عاشقی» با موضوعاتی در بخش مقاومت و دفاع‌مقدس به این چرخه اضافه شدند. فیلم سینمایی «پی ۲۲» در روز چهارشنبه ۲ میلیون داشت و پنجشنبه گذشته به فروش ۶ میلیون و ۶۰۰ هزار تومانی دست یافت. در میان آثار در حال اکران، فیلم سینمایی انیمیشن «شاهزاده روم» با اقبال بسیار خوبی مواجه شده است. امیرقطبی مدیر پخش فیلمیران درباره فروش فیلم«در مدت معلوم» که فضای اجتماعی با رگه‌های طنز دارد، گفت: فیلم «در مدت معلوم» در ۲۳ سالن سینما و در ۹ روز نمایش در تهران به فروش ۳۱۰ میلیون تومان رسیده است. اما محمدرضا صابری، مدیرعامل شرکت پخش نور تابان درباره فیلم سینمایی «محمد رسول الله(ص)» توضیح داد: تیزر جدید فیلم از روز شنبه در ایام هفته وحدت از تلویزیون پخش خواهد شد. تعداد سینماهای فیلم محدود شده و شب گذشته با در اختیار داشتن تنها ۹ سالن سینما در تهران به فروش ۲۲ میلیون تومان در تهران دست یافت و هم‌اینک فروش کل فیلم ۱۵ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان است. غلامرضا فرجی مدیر پخش حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی نیز درباره فروش فیلم «شاهزاده روم» گفت: هم‌اینک فیلم در تهران به فروش یک‌میلیارد و ۵۰ میلیون تومان رسیده است. فیلم شب گذشته ۱۷ میلیون تومان در تهران فروش داشته تا فروش کل فیلم به ۲ میلیارد و ۶۱۰ میلیون تومان برسد. علی شعبانی، مدیر پخش دفتر رسانه فیلمسازان درباره فروش فیلم «پدر آن دیگری» توضیح داد: فیلم سینمایی «پدر آن دیگری» به فروش ۵۰۰ میلیون تومان در تهران رسید و در شهرستان‌ها به فروش ۱۱۰ میلیون دست یافت. وی درباره فروش فیلم «شیفت شب» توضیح داد: فیلم در تهران به فروش ۷۲۰ میلیون تومان و در شهرستان به فروش ۱۳۰ میلیون تومان رسیده است.

■■■

«بگو بخند» در شبکه افق راه افتاد

پخش برنامه تلویزیونی «بگو بخند» با اجرای رضا احسان‌پور کاری از باشگاه فیلم سوره از شبکه افق سیما آغاز شد. به گزارش «وطن امروز»، این برنامه طنز تلویزیونی که با ساختار استندآپ کمدی و با اجرای رضا احسان‌پور، شاعر و طنزپرداز در چندین قسمت تولید شده است، به مناسبت فرارسیدن هفته وحدت هر شب از شبکه افق پخش می‌شود. نویسندگی متن‌های این برنامه را حسین حقیقی و رضا احسان‌پور و کارگردانی آن را سیدعلی طباطبایی‌نژاد برعهده داشته‌اند. برنامه تلویزیونی «بگو بخند» می‌کوشد با بیان شاد و طنازانه به برخی عادات در سبک زندگی و رفتارهای جامعه بپردازد و ضمن به وجود آوردن فضایی طنز و خندان پیام‌هایی اخلاقی را به مخاطب برساند.

■■■

«هیهات» در راه جشنواره فیلم فجر

فیلم ۴ اپیزودی دانش اقباشاوی، هادی نائیجی، هادی مقدم‌دوست و روح‌الله حجازی با نام «هیهات» در سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر شرکت می‌کند. محمدرضا شفیعی که تازه‌ترین فیلم خود را براساس داستانی از ۴ کارگردان و نویسنده مقابل دوربین برده بود، پس از چند ماه کار بدون وقفه، فیلمبرداری «هیهات» در روایت سوم به کارگردانی هادی مقدم‌دوست را در کربلا به پایان رساند. طبق تصمیم‌گیری تهیه‌کننده و کارگردانان، فیلم سینمایی «رند» به «هیهات» و با نام بین‌المللی Never تغییر نام داده و قرار است برای نمایش در سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر آماده شود. این اثر به‌عنوان اولین فیلم ۴ اپیزودی سینمای ایران با ۴ کارگردان و نویسنده بوده که پیش از این با نام «رند» کار خود را آغاز کرده بود. این پروژه اپیزودیک با موضوعات اجتماعی و مفاهیم عاشورایی، محصول سازمان هنری و رسانه‌ای اوج بوده و برای حضور در جشنواره سی‌وچهارم فیلم فجر آماده می‌شود.

■■■

حضور یکی از مداحان در فیلم سینمایی «۱۷۵ غواص»

کارگردان «۱۷۵ غواص» گفت: عبدالرضا هلالی بازیگر این فیلم سینمایی نبوده و تا چند روز آینده بازیگر نقش مداح اعلام می‌شود. به گزارش تسنیم، سعید چاری کارگردان فیلم «۱۷۵ غواص» درباره اخباری مبنی بر تغییر نام این فیلم در رسانه‌ها توضیح داد: فیلم سینمایی «۱۷۵ غواص» به «دایو» تغییر نام نداده است و «دایو» فیلم کوتاه داستانی دیگری با موضوع شهدای غواص بوده و هیچ ارتباطی به این فیلم ندارد.

نگاهی به فیلم «شیفت شب» ساخته نیکی کریمی

تلاش‌های مردی برای قتل موش‌ها!

«شیفت شب»، فیلمی به کارگردانی نیکی کریمی بوده که داستان زنی با نام ناهید را نقل می‌کند که با رفتارهای عجیب و سرد شوهرش مواجه می‌شود. مرد (محمدرضا فروتن) در تلاشی برای کسب ثروت و سود بردن از بازار، ریسک می‌کند و در نهایت سرش بی‌کلاه می‌ماند. او با بدهی بالایی مواجه است که پرداختنش مشکل است. کارش را از دست داده و گرفتار مردی نزول‌خور (امیر آقایی) است. رفتار مرد در ابتدا چندان توجه همسرش را جلب نمی‌کند. زن (لیلا زارع) دارای یک شخصیت اولیه است. به گزارش تسنیم، برای رسیدن به یک کنش دراماتیک نیاز است زن به نحوی از یک خواب - طبق روند فیلم - برخاسته و در یک داستان تریلر دریابد رفتار عجیب همسرش - که توأم با توهم خودکشی و قتل است - منشأ و نتیجه‌اش چیست؟ او آرام آرام همانند یک کارآگاه درمی‌یابد شوهرش در چه مخمصه‌ای افتاده است و در این مسیر چه خطرات احتمالی ممکن است او را تهدید کند. زن در این مسیر به نحوی تنهاست و کسی چندان از دغدغه‌هایش آگاه نمی‌شود. به ظاهر فرهاد مردی به هم ریخته و حیران و سرگشته است که به دلیل از دست دادن کارش خیال خودکشی یا دیگرکشی دارد اما اینها تنها جملات بیان شده از سوی کاراکترها است و به هیچ وجه جنبه عینی نمی‌یابد. فیلم «شیفت شب» به ظاهر می‌خواهد در برگیرنده رشادت‌های زنانه باشد اما شخصیت ناهید در این فیلم هیچ نشانه‌ای از شجاعت، شهامت و فداکاری نشان نداده و تنها نمی‌خواهد خانه را ترک کند که البته دلیل این امر هم مشخص نیست. در واقع مشکل اینگونه آثار نبود طراحی لازم برای رفتار پرسوناژهای اثر بوده تا موجب رازگشایی جهان درونی یا نگاه بیرونی آنها نزد بیننده باشد. در واقع نداشتن شناسنامه مشخص باعث شده دلایل رفتار کاراکترها به هیچ وجه رهیافت بیرونی نیابد و مخاطب نتواند به دلایل ترس ناهید و غم فرهاد، اصلا به مشکلات آنها بپردازد. شاید برای فیلم‌بین‌ها، ساخته جدید نیکی کریمی تداعی‌گر فیلم «مرد عوضی»، یکی از آثار قابل تامل آلفرد هیچکاک باشد. فیلم داستان مردی (هنری فوندا) را نقل می‌کند که به اتهام دزدی دستگیر می‌شود و همسرش در پی اثبات بی‌گناهی اوست. مسیر اثبات بی‌گناهی به ۲ اتفاق منجر می‌شود: اول آنکه زن در مقطعی نسبت به شوهرش شک می‌کند و دوم آنکه زن در نهایت وارد یک چالش روحی و روانی می‌شود. هر ۲ مورد در «شیفت شب» بارز است با یک تفاوت؛ شوهر ایرانی به هر نحو یک گناهکار است. اما این فیلم کجا و آن اثر درخشان کجا؟ در حقیقت برای فیلم‌بین‌ها، «شیفت شب» یک نقصان برجسته دارد و آن تغییر مسیر فیلم از یک تریلر به سمت یک ملودرام ایرانی است. به راحتی می‌شود فیلم را به ۲ بخش تقسیم کرد: بخش اول از شروع تا لحظه‌ای که زن خود را در کمد مخفی می‌کند و بخش دوم از یافتن تفنگ ساچمه‌ای تا انتهای فیلم. در نیمه نخست همه چیز برای هیجان آماده است. فیلم همه چیز برای انگیزش شخصیت برای دریافتن واقعیت و کشف داستانی ورای زندگی قابل مشاهده‌اش ارائه می‌دهد. فیلمساز نیز آگاهانه یا ناآگاهانه ساختار سفر قهرمان را برای فیلمش انتخاب می‌کند. ما در ابتدا درمی‌یابیم مرد دیر به خانه بازمی‌گردد، به نحوی که زن و فرزندش در خواب به سر می‌برند. با این حال زن از زندگی خود راضی است. صبح او را در حال گفت‌وگو با تلفن می‌بینیم، گفت‌وگویی که در یک نظام ارزشگذاری اطلاعات در فروترین سطح قرار می‌گیرد. این مقدمه را می‌توان حتی با حضور خواهر کامل کرد و دغدغه‌های زن در جامعه بورژوازیش را لمس کرد. این مهم به واسطه موقعیت مکانی – خانه - بیش از پیش تعریف می‌شود. کافی است در این گذار به آرایش صورت زن دقت کنید که در مسیر فیلم چگونه آرام آرام رنگ می‌بازد. در این ساختار سفر قهرمان را نیز شاهدیم. زن همکار شوهرش (سعیده عرب) او را نسبت شوهر به شک می‌اندازد و از خطر خودکشی می‌گوید. از اینجا تریلر آغاز می‌شود. زن با تکاپوی زیاد درمی‌یابد شوهرش در یک پرونده اختلاس گرفتار است، از شرکت اخراج شده و یک نزول‌خور به دنبال اوست، شغل مرد نیز رانندگی است. زن آثار خودکشی و قتل را نیز پیدا می‌کند؛ مرگ موش و تفنگ. اما همه چیز رها می‌شود. با کشف تفنگ ساچمه‌ای، تم فیلم به یک مانیفست اجتماعی با بوی رکود اقتصادی و حتی درگیری‌های طبقاتی و در نهایت شعار ختم می‌شود. سفر قهرمان رها می‌شود. تنها یک نقطه روشن وجود دارد که آن هم به طرفةالعینی در هم ریخته می‌شود: صحنه آمادگی زن برای صحبت با شوهرش و درگیری در آسانسور. حال سوال این است چه چیزی فیلم «شیفت شب» را از ریل هیجان‌انگیز خود خارج می‌کند. استفاده از لغت زنانگی برای این فیلم هم بوی جنسیتی دارد و هم یک اشتباه فاحش است. اگر بتوان یک نقطه مثبت برای فیلم نیکی کریمی انتخاب کرد، این است که عاری از نگاه جنسیتی است. ولی اگر بخواهیم یک نقطه منفی در فیلم برجسته کنیم باز این خود نیکی کریمی و آن نقشی است که در فیلم دارد. باید گفت فیلم مملو از شخصیت‌های ناکارآمد است و خود کریمی ناکارآمدترین شخصیت فیلم است. در مواقعی از فیلم حتی مخاطب از خود می‌پرسد این بازی پلیسی به چه کار می‌آید. برای مثال نزول‌خور برای رقمی نه چندان درشت – در برابر پول اختلاس شده – چرا آنقدر برجسته است؟ بازی خاص امیر آقایی در آن نقش چه کمکی به کلیت اثر می‌کند؟ درگیر شدن زن با خواهرش چه کارکردی دارد؟ داستان یا پیرنگ‌های فرعی فیلم چه کمکی به کشف و شهود شخصیت می‌کند؟ جواب همه اینها هیچ است. در کل فیلم تنها یک شخصیت است که به نظر همه چیز را پیش می‌برد و نویسندگان فیلمنامه در هر بزنگاهی سراغ او رفته‌اند: آبدارچی شرکت. کسی که خطر خودکشی را به زنش گفته بود، کسی که از اخراج مرد می‌گوید، کسی که از اختلاس می‌گوید، کسی که نشانی محل کار را می‌دهد، کسی که در نهایت از «شیفت شب» و محل خواب مرد می‌گوید. در یک عبارت باید گفت دیگر شخصیت‌ها همه خام هستند. بدترین قسمت این است که این شخصیت نسبت به دیگر شخصیت‌ها کمترین کنشگری را دارد. کافی است او را با شخصیت برادر (امیرحسین آرمان) مقایسه کنید ولی این برادر به هیچ عنوان تاثیری در روند فیلم ندارد و حتی ایجاد علامت سوال هم می‌کند. یک سوال اساسی این است پدر و مادر مرد کجای این داستان نقش دارند که برادر مدام از آنان حرف می‌زند. اکنون می‌فهمیم چرا «شیفت شب» نمی‌تواند یک «مرد عوضی» دیگر شود و فرسنگ‌ها از آن فاصله دارد. به‌طور حتم با این محدوده شناخت، کاراکترهای فیلم هم به هیچ وجه بارور نخواهند شد و گره‌گشایی فیلمنامه تبدیل به سکانس طلایی کشتار موش‌ها به دست تفنگ بادی می‌شود! اما مساله اساسی در این میان تحسین‌های عده‌ای از گروه‌های مختلف فکری است که سرخوشانه این اثر منفعل و پا در هوا را به عنوان نماد مقاومت زن ایرانی می‌دانند، این در حالی است که کاراکتر ناهید در اکثر دقایق فیلم یا در هراس به سر می‌برد یا در کمد جالباسی پنهان می‌شود و در کل کاملا منفعلانه عمل می‌کند و تنها کشف بزرگش، شناسایی همسر فداکارش بوده که در حال کشتار دسته‌جمعی موش‌های شهر است!

گزارش عیادت هنرمندان از فرج‌الله سلحشور

درخواست دعای کارگردان «یوسف(ع)» از مردم

فرج‌الله سلحشور که این روزها به دلیل عارضه ریوی در بستر بیماری است، امیدش برای ساخت سریال «حضرت موسی(ع)» را از دست نداده و می‌گوید: با دعای خیر مردم این کار شدنی است. تلویزیون هم آماده است ساخت این سریال را انجام دهیم اما منتظرند من کمی حالم بهتر شود و آن هم با دعای خیر مردم شدنی است. به گزارش سینماپرس، سلحشور که برای صحبت کردن توان کافی ندارد و نمی‌تواند جملات خود را منسجم ادا کند، در پاسخ به اینکه آیا همچنان همان موضع‌گیری را در قبال سینما دارد؟ می‌گوید: بله! من طرفدار سینمای اسلامی‌ام، نه این سینمایی که وجود دارد. اگر انرژی‌مان را برای تجلی و ظهور سینمای اسلامی بگذاریم یقینا بخش اعظمی از انقلاب را احیا کرده‌ایم. اگر کسی دنبال دنیا و نشان دادن خودش است این سینمای اسلامی، انقلابی و جنگی ما نیست. فرقی نمی‌کند چه سینما، چه تئاتر و چه تلویزیون. او ادامه می‌دهد: صحبت‌های زیادی دارم ولی دلم می‌خواهد مردم برایم دعا کنند. به هر حال چه دعا کنند و چه دعا نکنند، همه ما و مومنان رفتنی هستیم. چه کسی می‌ماند؟ از مردم عزیز خواهش می‌کنم برای من دعا کنند که بشدت نیازمندم. همچنین فرزند فرج‌الله سلحشور درباره وضعیت جسمانی پدر گفت: در مراحل درمانی پدرم، سرمی که به وی تزریق کردند و حساب شده نبود، باعث فلج شدن پاهایش شد البته محاسبه کرده بودند بدن ایشان چه واکنشی خواهد داشت. ضمن اینکه این مشکل فقط به خاطر آن مساله نبود، کمی هم اعصاب خودشان باعث شد. به گزارش سینماپرس، دکتر احمدی مدیرکل دفتر هماهنگی امور استان‌ها در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سیدعباس عظیمی مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت، محمود عزیزی رئیس هیات مدیره این موسسه، اسماعیل خلج از هنرمندان پیشکسوت و جمعی از مدیران این موسسه از فرج‌الله سلحشور عیادت کردند. در این دیدار همچنین از خدماتی که این کارگردان در عرصه ساخت سریال‌های دینی و قصه‌های قرآنی داشته است، تجلیل شد و سیدعباس عظیمی به‌عنوان مدیرعامل موسسه پیشکسوتان نیز در این دیدار حضور داشت و لوحی را به فرج‌الله سلحشور اهدا کرد. سلحشور نیز در ادامه ضمن تشکر از حضور این هنرمندان یادآور شد: از بچگی توجه زیادی به توبه و قرآن داشتم. اگر تلویزیون و سینما را انتخاب کردم، به این دلیل است که این احساس و عاطفه‌ای که برای دنیای امروزی است، دارای یک ریزه‌کاری‌ها و توانمندی‌هایی است که باید از آن برای احیا و ارشاد جامعه و اصلاح جوانان استفاده کرد. وی افزود: صرفا ایفای نقش در سینما و تئاتر هدفم نبوده است و اگر تاثیر مثبتی نمی‌داشتم، هیچگاه این کار را نمی‌کردم. این کارگردان سپس با اشاره به مجموعه یوسف پیامبر(ع) گفت: امکان ندارد یوسف پیامبر(ع) را ببینم و ارتباط عاطفی و روحی با آن برقرار نکنم. به دلیل اینکه این سریال برگرفته از قرآن، کلام خدا و تفسیر معصومین (ع) است. سلحشور همچنین در پایان خطاب به جمع حاضر گفت: اگر گاهی کوتاهی کردم و در برنامه‌ها و مراسم شرکت نکردم، به خاطر این بود که بعضی از برنامه‌ها آنقدر که من دوست داشتم قرآنی و اسلامی نبود. اسماعیل خلج در بخشی از این دیدار به آثاری که فرج‌الله سلحشور کارگردان آن بوده است، اشاره کرد و گفت: دل بردن از چنین آثاری شجاعت می‌خواهد و هیچ کار آسانی نیست و ساخت قصه‌های قرآنی و مجموعه‌های قرآنی به قدری مشکلات دارد که از یک انگیزه بالا باید برخوردار باشیم. غیر از سواد بالا باید انگیزه بالا هم داشته باشیم و با هر مشکلی مبارزه کنیم تا بتوانیم آن کار را در سطح خوبی بسازیم. در همان سطحی که آقای سلحشور ارائه دادند.

نقدی به فیلم «این سیب هم برای تو» ساخته سیروس الوند

روح سرگردان فیلمفارسی در سینمای ایران!

فیلمنامه «این سیب هم برای تو» داستانی اجتماعی دارد که توسط سیروس الوند و نازنین فراهانی به نگارش درآمده است و پژمان بازغی، رعنا آزادی‌ور، چنگیز جلیلوند، پریناز ایزدیار و امیرعلی دانایی در آن به ایفای نقش پرداخته‌اند. داستان فیلم درباره ۲ دختر جوان است که با هم دوست هستند و در حالی که یکی از آنها نامزد دارد، رابطه عاشقانه‌ای بین نامزد دختر با دوست او برقرار شده است. در واقع فیلم در حال اکران «این سیب هم برای تو» ادامه‌ای بر آثار فیلمفارسی‌وار این سال‌ها و دنباله‌ای از آثار ملودرام‌های سطحی عاشقانه الوند به تبعیت از دوران گذشته است که هیچ ثمره محتوایی و ساختاری برای بیننده این روزهای سینمای ایران ندارد. فیلمی که خارج از دایره نقدپذیری بوده و تبدیل به هجویه مضحکانه‌ای شده است، برای نمونه دیالوگ‌نویسی و بازی‌های فیلم فاجعه است. کارگردان توجهی به نورپردازی نداشته و از این رو نمی‌توان تشخیص داد که چه وقت قرار است از زمان حال به گذشته فلاش‌بک بخورد. «این سیب هم برای تو»، با پرداختن به آنچه که عملاً در جامعه ما نه وجود دارد و نه حرف زدن راجع به آن دردی را دوا می‌کند و نه طرحش از سوی کسی الزامی است، مخاطب را به مثابه اسفنجی می‌داند که قرار است آنچه او برایش بازگو می‌کند را جذب کرده و باور کند. شایسته، مهرداد، کیان و بیتا شخصیت‌های اصلی فیلم سیروس الوند هستند. احتمالا قرار بوده جمع ۴ نفره آنها با حضور یکی، دو شخصیت دیگر مانند شاهین کامل شود اما داستانک‌های شخصیت‌های اصلی اینقدر بی پیرنگ از کار درآمده که دیگر وجود شخصیت‌های دیگر هیچ توجیهی ندارد. سیروس الوند ظاهری برای هر کدام از کاراکترهایش ساخته که هیچکدام قابل باور نیستند. چون اصلا ناقص خلق شده و روایت شده‌اند. رفتارهای آنها معقول نیست و هرچه شده یا قرار است بشود با گفتار حل و فصل می‌شود. فیلم «این سیب هم برای تو» حتی در سرگرم کردن یا خنداندن مخاطب هم که به نوبه خود رسالتی حداقلی و سودمند است نیز تلاش نمی‌کند و جملات و تصاویری را پشت هم ردیف می‌کند که فرصت اندیشیدن و تأسف خوردن را نیز از مخاطب می‌گیرد! نمایش ماشین‌های گرانقیمت، آدم‌های بیهوده ثروتمند و غنی، مردمان و دنیایی عاری از ایمان و مذهب، مراوداتی نامعقول و غرب زده، نیازهایی خارج از منطق و عدل، ریاکاری و فریب‌کاری از سوی پرسوناژهای آنتاگونیست و پروتاگونیست و همه و همه تصویری از دنیای پیش روی مخاطب را نشان می‌دهد که قرار است از آنها درس بیاموزد یا به آنها فکر کند و آنها را ما به‌ازای جامعه‌اش بداند. از طرفی فیلمنامه «یک سیب هم برای تو» یک سناریوی لفاظ و بسیار کشدار از کار درآمده است. الوند در مقام کارگردان فیلمنامه‌ای را به‌دست گرفته که خود خالق کمیت و کیفیتش بوده و اساس داستانک‌ها را براساس گفتار چیدمان کرده است. در واقع این ساخته به ظاهر سینمایی را تماشاگر فقط می‌شنود و چیز خاصی نمی‌بیند، به نحوی که حجم گفتارها مدام به‌سوی وی شلیک می‌شود و در همین اثنا بحران‌های نخنما یکی پس از دیگری رونمایی می‌شوند. کل ماجرای «یک سیب هم برای تو» ابتدا به ساکن به خیانت نزدیک است. سپس مقوله انتقام مطرح می‌شود و در نهایت این ایثار است که اختتامیه‌ای است بر این داستانک‌های بی منطق و متاسفانه هیچکدام از این انگاره‌ها نیز اساس درستی برای روایت ندارند و عناصر داستان در کل خالی از پیرنگ است. فیلم الوند نمی‌تواند جنگ و جدل و ایثار و وقار را در شخصیت‌هایش به‌درستی مطرح کند. شخصیت‌های شایسته و مهرداد معلوم نیست با چه منطق روایی عاشق هم شده و ازدواج کرده‌اند؟ اصلا تقابل و تشابه بیتا و شایسته قرار است چه چیزی را به تماشاگر منتقل کند؟ «یک سیب هم برای تو» چنان دور از باورپذیری سینمای اجتماعی و خانوادگی است که حتی در پاره‌ای مواقع تبدیل به یک کمدی اجتماعی سرگردان می‌شود. در واقع در حالی که فیلم هیچ تعلقی به سینمای کمدی خانوادگی ندارد اما در لحظات بسیاری تماشاگران می‌توانند به روند پیگیری این فیلم بخندند.

رویدادها

مراسم پاسداشت شهید سمیر قنطار برگزار می‌شود

مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل حوزه هنری از برگزاری بزرگداشت شهید «سمیر قنطار» از فرماندهان ارشد مقاومت حزب‌الله لبنان با عنوان «حقیقت سمیر» خبر داد. هادی مولوی‌دوست، مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل حوزه هنری، گفت: حوزه هنری برای پاسداشت مقام والای شهید قنطار که اخیرا در حمله راکتی رژیم صهیونیستی به شهادت رسید، آیین بزرگداشتی را با عنوان «حقیقت سمیر» در تاریخ ۱۳ دی‌ماه برگزار می‌کند. وی با اشاره به‌عنوان این مراسم و تأکید بر واژه «حقیقت» در آن، توضیح داد: محور این برنامه معرفی ابعاد شخصیتی و فعالیت‌های این شهید والامقام است و به این اعتبار، سخنرانان برجسته‌ای که آشنایی خوبی با ایشان داشته‌اند و در زمینه مقاومت و ایثارگری در حزب‌الله لبنان صاحب‌نظر و پژوهش هستند در این مراسم درباره شخصیت شهید قنطار سخن خواهند گفت. به گفته مولوی‌دوست، همچنین برخی همرزمان شهید سمیر قنطار که ارتباط نزدیکی با ایشان داشتند در حوزه هنری حاضر خواهند شد و به بیان خاطرات و ناگفته‌هایی از آن شهید عزیز می‌پردازند. مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل حوزه هنری از انتشار کتابی با عنوان «حقیقت سمیر» خبر داد و گفت: این کتاب که برای بزرگداشت مقام این شهید تألیف شده است، در مراسم «حقیقت سمیر» در حوزه هنری رونمایی می‌شود. «شهید سمیر قنطار» از فرماندهان مقاومت حزب‌الله لبنان، ۲۹ آذرماه مصادف با سالروز شهادت امام حسن عسکری(ع) در سن ۵۳ سالگی در اثر حمله راکتی رژیم صهیونیستی در قنیطره در نزدیکی دمشق سوریه به شهادت رسید.

■■■

معرفی برگزیدگان جشنواره مردمی «رسول آفتاب»

پنجمین جشنواره مردمی رسول آفتاب برگزیدگان خود را در مراسم اختتامیه که روز چهارشنبه ۹دی برگزار خواهد شد معرفی می‌کند. پنجمین جشنواره مردمی رسول آفتاب که با شعار «من انقلابی‌ام» و در ۳ محور: «فتنه ۸۸، بیداری اسلامی و مقاومت»، هنرمندان و نویسندگان بصیر کشور و فرهیختگان آزاده جهان را به تولید اثر دعوت کرده بود، برگزیدگان خود را در مراسم اختتامیه که روز چهارشنبه ۹دی برگزار خواهد شد معرفی می‌کند. همچنین تقدیرنامه‌های جشنواره به اثر انگشت خانواده‌های معظم شهید حاج حسین همدانی، غضنفر رکن‌آبادی، شیخ مهدی مطلب و سیدمحمدعلی رحیمی مزین می‌شود تا به لوح تقدیر برگزیدگان اعتبار ببخشد. طبق روال سال‌های قبل جشنواره، چهره سال جشنواره رسول آفتاب نیز معرفی خواهد شد که در مراسم امسال ۵ چهره سال رسول آفتاب: علیرضا قزوه (شاعر)، مازیار بیژنی (کاریکاتوریست)، احمد شاکری (داستان‌نویس)، غلامعلی نسایی (خاطره‌نویس) و جانباز حسین عبادپور (عکاس) انتخاب شدند. تجلیل از برگزیدگان جشنواره، رونمایی از کتاب «حرف‌های درگوشی» و سخنرانی دکتر حسن عباسی با موضوع: پایانی بر آغاز فتنه‌ها از دیگر برنامه‌های مراسم اختتامیه است. این مراسم روز چهارشنبه ۹ دی ۱۳۹۴ از ساعت ۱۵ الی ۱۷ در سالن سوره حوزه هنری برگزار خواهد شد.

■■■

به دعوت «ننه عصمت»؛ مادر رزمندگان

زنان و دختران ایرانی برای مدافعان حرم دستکش می‌بافند

«ننه عصمت»، بانوی یزدی که برای رزمندگان و مرزداران کشور دستکش کاموایی می‌بافته است، در کلیپی از تمام زنان و بانوانی که در طول ۸ سال دفاع‌مقدس، دوشادوش رزمندگان اسلام در پشت جبهه فعالیت می‌کردند، برای بافت دستکش و اهدای آن به مدافعان امروز حرم اهل بیت(ع) دعوت کرد. بنابر این گزارش، در کلیپی که دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار منتشر کرده است «عصمت فلکیان»، مادر یزدی که امروز به سختی قادر به راه رفتن است و از زمان جنگ تحمیلی تا ۳ سال پیش برای رزمندگان و مرزداران کشور دستکش کاموایی می‌بافته است، از زنان و دختران ایرانی خواست همانند سال‌های دفاع‌مقدس و همزمان با فرا رسیدن فصل سرما، با بافتن دستکش، به یاری مدافعان حرم که برای دفاع از حریم اهل بیت(ع) و اسلام می‌جنگند، بشتابند. «ننه عصمت» که آخرین دستکش‌های بافته شده خود را در مراسم افتتاحیه پنجمین جشنواره مردمی فیلم عمار به مسعود ده‌نمکی و سیدمسعود شجاعی‌طباطبایی تقدیم کرده بود، تا بیست و چند سال اجازه نداده بود حتی اقوام نزدیکش هم از این ماجرا مطلع شوند.